

بایستگی‌های فرهنگی

برای نسل جوان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
علی کریمی

فرهنگی برای نسل جوان و باورمندی بدان است. پیش زمینه هرگونه پیشرفت و بسط عدالت اجتماعی و ... نگرش مثبت افراد جامعه و قبول ارزشمندی آن است.

اگر نخبگان جامعه‌ای به این نتیجه رسیده باشند که تحول اجتماعی ضروری است، باید فرهنگ سازی کنند و در باورها و ارزش‌های اجتماعی دخالت نمایند. ملتی می‌تواند سرنوشت خود را دگرگون سازد که قبلاً به توانایی‌های موجود در جامعه، علی‌الخصوص پتانسیل موجود در نسل جوان خود پی برده و اعتماد به نفس لازم را کسب کرده باشد و از خطوط قرمزی که باعث عقب ماندگی شده است، آگاهانه و باورمندانه، عبور کرده باشد.

در این مبحث ابتدا با ارائه تعریفی از «مفهوم و تعریف فرهنگ»، «بایستگی» و «راههای انتقال فرهنگ» وارد مبحث اصلی می‌شویم.

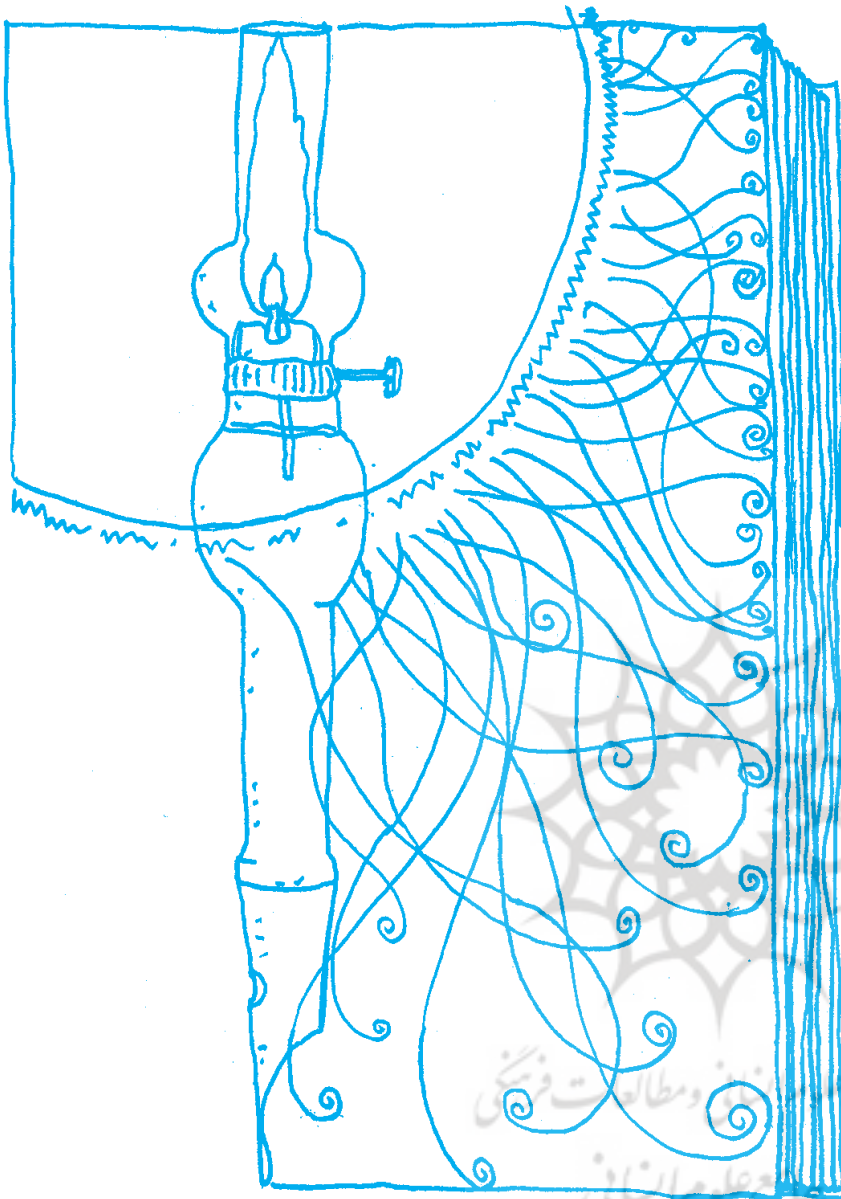
مسئله فرهنگ از جمله ریشه‌ای‌ترین و بنیادی‌ترین مسایل یک جامعه است.

فرهنگ اساس همه چیز است. فرهنگ به عنوان شکل‌دهنده ذهن و رفتار عمومی جامعه است. حرکت جامعه براساس فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ به عنوان جهت‌دهنده به تصمیم‌های کلان کشور، حتی تصمیم‌های اقتصادی - سیاسی - مدیریتی و در تولید هم نقش دارد.^(۱) فرهنگ، فرآیندی از آداب و رسوم، خوی‌ها و خصلت‌ها و چگونگی روابط حاکم بر مجموعه‌ها و گروه‌های انسانی است، ضمن آن که خود زاینده زندگی اجتماعی انسان‌هاست، تأثیر شگرف و غیرقابل تردیدی بر چگونگی و ادامه حیات اجتماعی و ملی ملت‌ها نیز دارد.

امروز این مسأله پذیرفته شده است که سرمنشأ هرگونه تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی، برنامه‌ریزی‌های گسترده



خداوند در قرآن کریم به صراحت به این موضوع پرداخته است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». (آل عمران ۱۰۳) همگی به ریمان خدا چنگ زنیید و پراکنده نشوید.



مفهوم و تعریف فرهنگ

فرهنگ اصطلاحی است، جامع و وسیع که عصاره زندگی بشر را در ابعاد گوناگون در خود جای داده و بیانگر خصایص و ویژگی‌های جوامع انسانی است. این واژه در طول تاریخ بشری دچار تحولات گوناگون گردیده و از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از جامعه‌شناسان آن را با تمدن یکی دانسته و عده‌ای دیگر آن را مبنای تمدن می‌دانند. فرهنگ‌شناسان از فرهنگ به عنوان عامل پیوند و شکل‌گیری جامعه یاد می‌کنند.

امروزه «فرهنگ» فارسی تقریباً معادل «کالچ» فرانسوی و انگلیسی^(۲) و «کالتور» آلمانی^(۳) است. در عربی معاصر واژه «الثقافه»^(۴) و در فارسی دری «ثقافت» را به جای آن به کار می‌برند. فرهنگ مرکب از «فر» که پیشاوند است و هنگ از ریشه تنگ اوستایی به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است و فرهنگ به معنای دانش و ادب است.^(۵)

بایستگی

طبق تعریفی که در فرهنگ فارسی عمید آمده به معنای لازم بودن، واجب بودن، بایسته بودن، باییدن هم گفته می‌شود، به معنای آنچه لازم و واجب باشد.^(۶)

راههای انتقال فرهنگ

راههای انتقال فرهنگ عبارتند از:

- ۱) آموزش «تعلیم» و پرورش «تربیت» مستقیم؛
- ۲) تقلید؛
- ۳) مبادلات فرهنگی؛
- ۴) تحمیل فرهنگ؛ تحمیل یک نظام فرهنگی یا بخشی از آن می‌تواند از طریق نفوذ، تهاجم، جنگ، فرهنگ پراکنی و استعمار فرهنگی صورت گیرد.

فرهنگ‌سازی جدیدی، با مایه‌های عمیقاً اسلامی، حرکت کنیم.

بایستگی‌های فرهنگی مطلوب برای جوانان موارد عدیده‌ای است که باید مدیران، مسوولان، متولیان فرهنگی، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، صدا و سیما، وزارت ارشاد و همه و همه به آن توجه ویژه نمایند. که در این قسمت از مقاله به مواردی که مهمتر است و در رأس برنامه‌های فرهنگی می‌بایست قرار بگیرد، می‌پردازم.

۱- اهتمام ویژه به شعائر دینی

بدون تردید مهم‌ترین مانع بر سر راه نفوذ فرهنگ منحط و مبتذل بیگانه «نهادینه کردن اخلاق» با پشتوانه ایمانی است.

تفکر شیعی، تفکری تعهدگرا و مسوولیت‌گراست، اگر بتوانیم و موفق شویم آموزه‌های فرهنگ شیعی را به نسل جوان منتقل کنیم و جوانان و عموم مردم روحیه تعهد و مسوولیت فرهنگی و اجتماعی را در خود بپرورانند اهدافی محقق خواهد شد که در نهایت رشد و بالندگی جامعه را در تمامی ابعاد خود به دنبال خواهد آورد. ما می‌بایست احساس مسوولیت عمیق و شدیدی بکنیم. تنها وظیفه فرهنگ آفرینی را بر عهده حوزه‌های علمیه ندانیم، می‌بایست از مراکز و پایگاههایی که درگیر با فرهنگ دینی هستند، به آفرینش فرهنگی جدید، معطوف به خدمت و نهادینه سازی فرهنگ دینی، دست بزنیم، که متأسفانه در این راستا، کاستی جدی داریم. عامه مردم ما دل‌بستگی شدیدی به دین دارند و باید از همین مجرا و جاذبه استفاده بکنیم و به سمت

همواره آن لبه‌های چاقویی بوده که در جمع بندی‌های فرهنگی خود بدون اتکاء به شاعر دینی جوانان را در طول تاریخ همیشه مورد هجوم خدشه‌های خویش قرار داده و این نسل را همواره به مسلخ گاه کشانیده‌اند.

اما خوشبختانه در هر مقطع از زمان، بوده‌اند عالمانی راستین و دانشمندانی فرهیخته و خودساخته که متکی به شاعر دینی، سیره نبوی و علوی، همچون شمعی فروزان راه هدایت و صراط مستقیم را از بیراهه‌های مسموم متمایز نموده‌اند و تشنگان طریق حقیقت را به راه درست رهنمون گشته‌اند. اما امروز بیش از هر روز دیگر نیاز به هوشیاری و شناخت عالمان فرهنگی و آراء و اقوال و طراحی درست آنان است.

جوان نسل امروز به میزان، ملاک و معیاری نیازمند است که حرف حق را از اقوال باطل بازشناسد و در کوران تهاجمات بی وقفه فرهنگی استوار بایستد و با سلاح تربیت و مفاهیم فرهنگی معرفت بار به مبارزه با آنها برخیزد. ما در فرهنگ سازی امروز می‌بایست نگاهی فراگیر، شامل و بسیار حساس و دقیق در جای جای ایران اسلامی داشته و فرهنگ دینی مترقی را به آنجا منتقل و زمینه‌هایش را نیز آماده کنیم تا نسلی بصیر و آگاه برای آینده اسلام داشته باشیم.

۲- استفاده مطلوب از سنت‌ها

ما از سنت‌های موجود خودمان، استفاده درستی نمی‌کنیم، به گونه‌ای به آنها عمل می‌کنیم که تدریجاً عده‌ای پیدا می‌شوند که بگویند سنت بد است و سنت ستیزی را شروع می‌کنند.

استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در هشدار مهم می‌فرمایند:

دین مقدس اسلام یک دین ناشناخته است. حقایق این دین، تدریجاً در نظر مردم واژگونه شده است و علت اساسی گریز گروهی از مردم، تعلیمات غلطی است که به این نام داده می‌شود.^(۸)

سنت‌های ارزشمندی در جامعه ما وجود دارد که متأسفانه این سنت‌ها به هیچ گرفته شده‌اند و مورد توجه نیستند. که این جریان قطعاً علت آن دو عامل می‌تواند باشد.

اول: بیان نامعقول مفاهیم دینی، همراه با خرافه و بدعت.

این عامل از ناحیه همفکری و هماهنگی خواص فرهنگی اصلاح می‌پذیرد و به سایر اجزاء و ابعاد جامعه سرازیر می‌شود، در این رابطه استاد شهید به کرات بدان تذکر می‌دهند:

«بسیاری از افراد، تحت تأثیر تعلیمات پدران و مادران

علامت اهتمام به شاعر دینی تطهیر رفتار از رهگذر تطهیر افکار و انگیزه‌هاست. نتیجه پرداختن پسندیده به این مورد را در اوایل پیروزی نهضت اسلامی در کارنامه خود داریم، به فرموده مقام معظم رهبری «شما در دوران انقلاب ناگهان دیدید که مردم ظرف مدت کوتاهی تغییرات اساسی در خلیقات احساس کردند، روحیه گذشت در مردم زیاد شد، حرص و طمع کم شد، حس همکاری گسترش یافته، گرایش به دین توسعه پیدا کرد و اسراف کم شد. این تحول مربوط به همان چند سال اول انقلاب بود. زمانی بود که تلاش روز به روز دشمن برای پاشیدن بذر فرهنگ و اخلاقیات فاسد متوقف شده بود. در این مدت کوتاه، گرایش و توجه خاصی به اسلام و فرهنگ و اخلاق و آداب اسلامی، که در ضمیر ما بود، دوباره زنده شد»^(۹) ۱۳۷۱/۵/۲۱

این حالت در دوران جنگ اوج گرفت و از مس وجود جوانان، طلایی ناب ساخت. پس از جنگ، بیش و کم، این کوره خاموش شد و محیط، با فروکش کردن ارزش‌ها، برای میدان‌داری فرهنگ مهاجم مناسب گردید و بیگانگان و نظام کارشناسی وارداتی در کشور دست به دست هم سعی کردند تا از شتاب حرکت معنوی و اخلاق مداری مردم بکاهند.

هم اکنون اگر بخواهیم به حالت اول انقلاب برگردیم و ضمن برخورداری از پیشرفت‌های سیاسی-اقتصادی، استقلال فرهنگی خود را حفظ کنیم، راهی جز تقویت باورهای اصیل نداریم.

برای جلوگیری از نفوذ ترندهای بیگانه و گرفتار نشدن به ظواهر این شعارهای فریبنده دنیایی، باید همه تلاش‌هایمان را در بستر شاعر دینی بشکفد.

تنها با احیای شاعر دینی است که می‌توان سموم فرهنگ بیگانه را از روح لطیف و پاک جوانانمان دفع کنیم. همان ارزش‌هایی که زمانی زیربنای تمدن درخشان اسلامی بودند و اکنون غبار غفلت از ناحیه ما بر آن نشسته است. شاعر اسلامی زیربنا، اساس و اصول فعالیت‌های فرهنگی‌اند، هرگاه در این بخش از نگاه، تعریف و طراحی برنامه‌های فرهنگی دچار خدشه، اشکال و یا آسیب باشیم، خود به خود این آسیب و اشکال به جای ساختار و تفکر جوانان سرایت می‌کند و زیرساخت‌های اولیه تربیتی جامعه را فلج می‌کند.

تا زمانی که در ساختار بندی فعالیت‌های فرهنگی، به روشنی و وضوح و بدون هیچ خدشه و ابهام و عاری از هرگونه بدعت و خرافه و التقاط و تجددگرایی‌های مذبوم، نپردازیم، تربیت درست نسل جوان قائم و درست استوار نمی‌شود.

تعریف جاهلان و جمودان و التقاطیون و تجددمآبان،



را می‌سازد. امروزه می‌بایست طوری به مسایل بپردازیم که فرهنگمان فرهنگی بشود و به تبع آن نسلی جوان تربیت شوند بصیر و آگاه و معتقد به ارزش‌ها.

۳- اصلاح حاکمان و متولیان فرهنگی

از دیگر واجباتی که می‌بایست در حوزه‌های فرهنگی صورت پذیرد، این است که عاملان حکومت و متولیان و دست‌اندرکاران موضوعات فرهنگی، خود را اصلاح کنند، زیرا مردم و علی‌الخصوص نسل جوان آماده نقش‌پذیری همواره سعی می‌کنند که خود را شبیه به حاکمان و مسوولان کنند، امیرالمؤمنین علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «الناس بامرائهم اشبه منهم بأبائهم» مردم به حاکمان خودشان بیشتر شباهت دارند تا پدرانشان، امام حسین (قدس سره) در بیاناتی شیوا این‌گونه خطاب به مسوولان می‌فرماید:

شما که داعیه پیروی از امیرالمؤمنین (ع) را دارید؛ لاقلاً در زندگی آن مرد بزرگ کمی مطالعه کنید، ببینید واقعاً هیچ‌گونه پیروی و مشایعی از آن حضرت می‌کنید؟ آیا از زهد، تقوا، زندگی ساده و بی‌آلایشی آن حضرت چیزی می‌دانید و به کار می‌بندید؟ آیا از مبارزات آن بزرگوار با ظلم و بیادگری و امتیازات طبقاتی و دفاع و پشتیبانی بی‌دریغی که از مظلومین و ستم‌دیدگان می‌کرد و دستگیری‌هایی که از طبقات محروم و رنج‌دیده اجتماع می‌نمود چیزی می‌فهمید. (۱۱)

«آن خلیفه به حق خدا بود و شماها باید به او اقتدا بکنید همه ما باید اقتدا کنیم.» (۱۲)

مسوولین حوزه و دانشگاه، معلمین و مربیان، رادیو و تلویزیون، مطبوعات و دیگر نهادهای فرهنگی - تربیتی آگاه فعالیت‌ها و برنامه‌هایشان می‌تواند مفید و ثمربخش باشد که در مقام نخست، خود عامل و هماهنگ با دستورالعمل‌های شریعت باشند، وجود افراد فرهنگی صالح و طراحی‌های تربیتی جامع و به موقع شان از جمله بلندترین و بزرگترین آرمان‌ها و آمال‌های امام راحل (قدس سره) شهیدان عزیز و مقام معظم رهبری بوده و می‌باشد که امروزه می‌بایست پرورش چنین انسان‌هایی در اولویت اقدامات کلان نظام مقدس جمهوری اسلامی قرار بگیرد.

۴- طراحی مدیریت فرهنگی در جامعه

ما در جامعه خودمان، فاقد مدیریت فرهنگی هستیم، یکی از عناصر کلیدی تحول فرهنگ، این است که مدیریت فرهنگی واحد و مطلوبی را در کشور ایجاد کنیم و همه دستگاه‌های فرهنگی با هم هماهنگ شوند و فرهنگ در واقع متولی مستقیم و مشخص داشته باشد، تا از پرتو آن، برنامه ریزی فرهنگی مطلوبی را بتوانیم ایجاد کنیم و برنامه‌های عمده عملیاتی بشوند. در خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های مردمی خیلی نمی‌شود دخالت نمود. ولی در حوزه فرهنگی نهادهای دولتی لازم است، امروز مردم

جاهل و مبلغان بی‌سواد، افکار غلطی در زمینه مسایل مذهبی در ذهنشان رسوخ کرده است و همان افکار غلط اثر سوء بخشیده و آنها را درباره حقیقت دین دچار تردید، احياناً انکار کرده است. از این رو، کوشش فراوانی لازم است صورت بگیرد که اصول و مبانی مذهبی، به صورت صحیح و واقعی خود، به افراد تعلیم و القاء شود. (۸)

برنامه‌ریزان فرهنگی می‌بایست به سرعت و در تلاشی مضاعف، به احیاء این موضوع در مسیری صحیح بپردازند. آن‌گونه که استاد شهید پرداخت. ایشان که خود الگویی محق، بصیر و اسوه نمونه‌ای در میان مسوولان فرهنگی حوزوی و دانشگاهی بوده، می‌گویند:

«این بنده شخصاً سال‌هاست که این مطلب را احساس کرده‌ام و وظیفه خود دانسته‌ام که فعالیت‌های مذهبی خود را تا حدودی که توانایی دارم در راه تعلیم صحیح و معقول مفاهیم دینی و مذهبی متمرکز کنیم.» (۱۰)

آری اگر مسوولان و دست‌اندرکاران فرهنگی آن‌گونه به مسایل بپردازند که شهید مطهری (ره) پرداخت، دیگر صورت مسأله‌ای به نام نفهمیدن، بدفهمیدن، ناقص فهمیدن و بدلی فهمیدن نسل جوان در حوزه‌های سنت و ... اتفاق نخواهد افتاد.

دوم: معرفی و تبیین درست الگوهای پرافتخار

حتماً در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی الگوهای تاریخی، که در تاریخ پرافتخار تشیع وجود دارند و توسط کارشناسان و طراحان فرهنگی و عالمان و دانشمندان به عنوان اسوه‌های حقیقی - تربیتی درستی معرفی شده‌اند، طوری می‌بایست بر روی جهت‌های اصلی خود تبیین و تفهیم شوند که نتیجه‌های پرورشی مدنظر مکتب و بزرگان و عالمان حاصل شود. فی‌المثل، در مورد معرفی امام حسین (ع)، فرهنگی عاشورایی به وجود بیاید تا فردی که گریه بر حسین (ع) می‌کند، بداند که چرا محزون و عزادار است. چون ممکن است یک یهودی هم بر امام حسین (ع) گریه کند، بدون این‌که درک کند که این کشته شدن حسابی و قاعده‌ای داشته و بدون این‌که بداند حقی است و باطلی، بدون این‌که بداند انسان زنده و ملکوتی و ارجمندی است که طرفدار حق است و به او ظلم شده و ظلم به حق است. اگر این نوع درکی بخواهد به وجود بیاید، دیگر حسابش از آن گریه‌های احساسی و بی‌معنا و بی‌جهت غیر تربیتی جدا می‌شود و در این صورت، تازه باید ببیند که چرا خودش را فدا کرده و باید به دنبال این مطلب برود، زیرا می‌خواهد مکتب امام رابه صورت فرهنگ درآورد و بالاخره در چنین صورتی است که ولایت شخص نسبت به امام حسین (ع) شخصیت او



به درستی و تحت مدیریتی هماهنگ صورت پذیرد می‌تواند مقدرات فرهنگی کشور را به درستی رقم بزند و از تباهی و انحراف نسل جوان جلوگیری به عمل آورد. ملتی که به موقع به تدبیر این موضوع بپردازد، می‌تواند ملتی نمونه و سربلند باشد.

اولین بازتابی که فعالیت‌های فرهنگی‌ای که توسط غیرکاشناسان در حوزه‌های فرهنگی صورت می‌گیرد علاوه بر ناامنی روانی، سستی اعتقادی، منجر به عقیده غلط در نسل جوان می‌شود و نتیجه‌ای جز انباشت جهل و نهادینه شدن اندیشه‌های مسموم غیردینی در اذهان جوانان ندارد. از این رو هیچ راهی جز جذب عناصر متعهد نداریم. این موضوع می‌بایست به موقع و هر چه سریع‌تر تدبیر شود و گزینش این افراد تنها از یک مجموعه کارشناسان قدرتمند فرهنگی می‌باید صورت پذیرد و لاغیر.

۶- معرفی چهره‌های شاخص فرهنگی

ارائه الگوی عملی در فعالیت‌های فرهنگی از چنان اثر فزاینده‌ای برخوردار است که شخص یا جامعه را از دیگر آموزش‌های بی‌نیاز می‌کند. البته الگو شدن از همه کس ساخته نیست و ویژه آن دسته از مربیانی است که خود در وارستگی سرآمد و ممتاز بوده و از منطبق عملی قوی برخوردار و از حرکات و رفتار تناقض آمیز به دور باشند. ما در برنامه‌های فرهنگی مان می‌بایست چهره‌های شاخص فرهنگی و دینی کشورمان را که چه در حال و چه در گذشته کارهایی انجام داده اند، به درستی معرفی کنیم. ما شخصیت‌های بزرگی داریم که کارهای مهم و عمده‌ای را انجام داده اند، باید اینها را دقیق معرفی کنیم، تا مردم و نسل جوان با وجود آنها و آثار علمی آنها آشنایی بیشتری بیابند.

نتیجه گیری

در پایان و من حیث المجموع از راههای ماندگاری و اثربخشی و بایستگی‌های فرهنگی برای نسل جوان این است که از حجم فعالیت‌های صوری و گذرا کم کنیم و به یک سری برنامه‌های محتوایی که از فرآیند عمیق بخشی بیشتری برخوردارند تحت مدیریتی واحد و هماهنگ اقدام کنیم.

تهیه و تدوین نظام جامع تربیت خانواده با استفاده از مبانی اخلاقی و تربیتی اسلام و کاربردی نمودن آن و مشارکت رسانه‌ها، مربیان فرهنگی و ... در تقویت بنیان خانواده و کاهش شکاف فرهنگی بین نسل‌ها.

-افزایش مطالعات فرهنگی و انجام پژوهش‌های ضروری و کاربردی.

-برگزاری دوره‌های آموزشی، علمی و معرفتی ویژه

مدیریت واحد و مهندسی فرهنگی را از حاکمیت می‌خواهند و انتظار دارند به آن انسجام داده شود. اگر ما در رفتار و کردار افراد جامعه اختلاف می‌بینیم، این است که فرهنگ ما تحت مدیریتی واحد به درستی هماهنگ نشده است. اگر روحانی ما در مسجد و مدرسه حرفی می‌زند که با حرف استاد ما در دانشگاه، با پیام‌های صدا و سیما، مدرسان و متولیان وزارت ارشاد و ... اختلاف دارد و یکدیگر را خنثی می‌کند و مخاطب جوان سردرگمی، تعارض و لغزش می‌شود، به خاطر این است که فعالیت‌های فرهنگی ما بر مبنای اصول واحدی پایه گذاری، مدون و مدیریت نشده است و به صورت سلیقه‌ای و گروهی کارها انجام پذیرفته و به پیش می‌رود. در دیداری که شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۱۷ با مقام معظم رهبری داشتند، معظم له فرمودند:

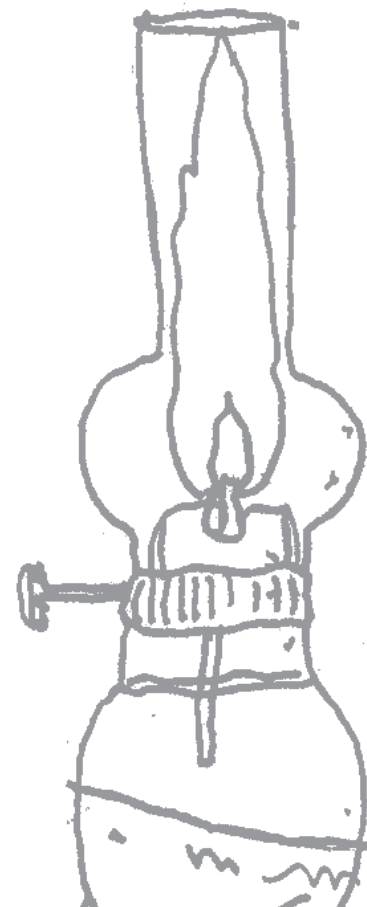
«باید ضمن پرهیز از بحث‌های صرفاً نظری و ذهنی، به تطبیق وضع فرهنگی موجود با وضع مطلوب و آرمانی پرداخت و با مشخص کردن عیب‌ها و مشکلات و بررسی علل و عوامل آنها، به برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده برای رفع مشکلات و دستیابی به اهداف و آرمان‌ها، همت گماشت... باید این مسأله مهم را خیلی جدی‌تر گرفت».

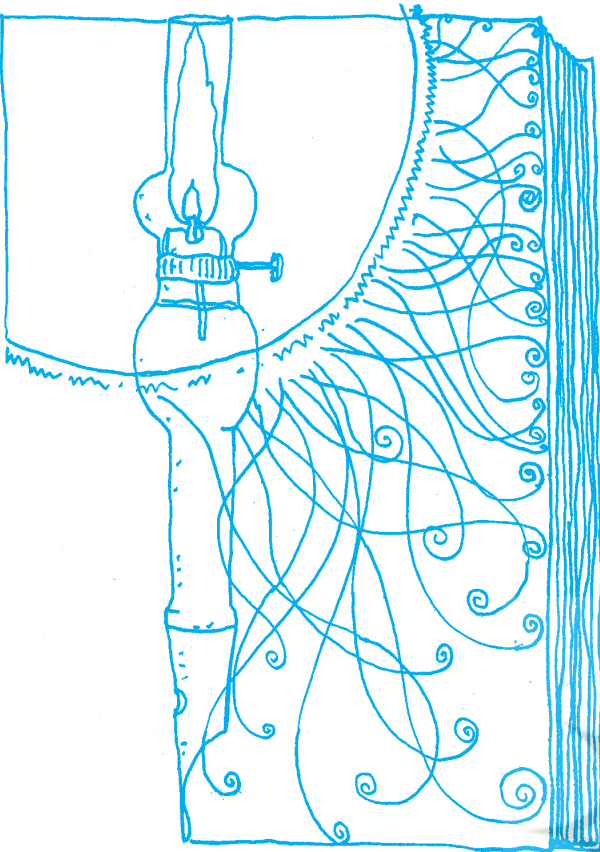
یکی از نشانه‌ها و علایم فقدان مدیریت فرهنگی واحد در کشور، این است که اگر آماری بگیریم، از کسانی که در مسایل فرهنگی تصمیم‌گیری می‌کنند، خواهیم دید که دهها قرائت متفاوت و بعضاً بنیادین در چگونگی پرداختن به این موضوعات وجود دارد. در اینجا است که به این جمع بندی می‌رسیم که ضروری است جهت ایجاد هماهنگی، هم‌سویی و اثربخشی برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی، ترسیم دقیق و هدفمند وظایف و مسوولیت‌های کلان نهادهای فرهنگی کشور به منظور تحقق اهداف عالی نظام و مقابله با توطئه‌های فرهنگی دشمنان در قالب طرح و نقشه «مدیریت واحد و مهندسی شده فرهنگی» نهادینه و کاربردی می‌گردد در این برهه تاریخی که پرداختن به تولید علم و نرم افزار از مقدمات حفظ هویت و استقلال است. طراحی مدیریت واحد و مهندسی فرهنگی هم، یک نیاز ضروری است که در سایه آن، می‌توان به برنامه‌ریزی فرهنگی فکر کرد و برای اجرای آن کوشید.

۵- برنامه ریزی جهت جذب عناصر مستعد

یکی دیگر از کارهایی که باید سریعاً و بدون فوت وقت انجام گیرد، جذب عناصر لایق و مستعد و مکتبی است، باید برای تقویت و تشدید و جذب نیروی انسانی برنامه‌ریزی کرد.

نظام اسلامی برای آن که بتواند به اهداف عالی خود نایل شود، می‌بایست از چهره‌های موجه و با سابقه تربیت شده، با تخصص‌های فرهنگی استفاده کند، همین امر، اگر





در طراحی‌های کوتاه مدت فرهنگی و برای دوران گذار طراحی و استفاده شود و در برنامه‌ریزی‌های میان مدت و بلند مدت با اتکاء به آموزه‌های ناب اسلامی و کاربردی نمودن منویات مقام معظم رهبری با برنامه‌ریزی و سازماندهی گسترده توسط نسل جوان بصیر و متعهد به تولید الگوی برای پیشرفت همه جانبه کشورهای اسلامی براساس مدل اسلامی و فرهنگ بومی خود طراحی کنیم که با طراحی چنین الگویی در برابر الگوهای غربی و لیبرالی و غربی خواهیم ایستاد.

مسوولان ما باید این

حقیقت را بدانند که از فعالیت‌های پراکنده و گاه متعارض و خنثی کننده اثر یکدیگر کاری ساخته نیست. تصمیمات فرهنگی، سیاسی،

اقتصادی، داخلی و خارجی ما در صورتی مکمل یکدیگر خواهند بود و کارایی لازم را خواهند داشت که همگی براساس یک الگوی کاملاً اسلامی و بومی صورت گیرند و این میسور نخواهد بود جز در طراحی کلیه فعالیت‌های فرهنگی در یک شبکه گسترده از هیأت و مساجد به طور همزمان و یکدست.

منابع

- ۱- آیت الله خامنه‌ای، در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۹/۹/۱۳۸۱.
- ۲- Culture
- ۳- Kultur
- ۴- در زمان قدیم واژه «الادب» را معادل فرهنگ فارسی به کار می‌بردند.
- ۵- دهخدا، لغت نامه، ج ۳۳.
- ۶- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹، ص ۲۸۰.
- ۷- آیت الله خامنه‌ای، سخنرانی در جمع مردم، ۲۱/۵/۱۳۷۱.
- ۸- مرتضی مطهری، عدل الهی، انتشارات صدرا، قم، صص ۸-۹.
- ۹- مرتضی مطهری، امدادهای غیبی، صدرا، قم، ص ۴۸.
- ۱۰- همان، ص ۴۸.
- ۱۱- امام خمینی (ره)، جهاد اکبر، قم، ص ۱۶۷.
- ۱۲- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۴۹.

مسوولین و عناصر فرهنگی به صورت حضوری، مجازی و غیر حضوری.

-تقویت نگرش فرهنگی مسوولان و مدیران نسبت به مسایل فرهنگی جامعه و ضرورت مقابله با تهدیدات نرم.

-افزایش اثر بخشی برنامه‌ها، حرکت در جهت افزایش کیفیت برنامه‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی و مبارزه مداوم و مستمر با افکار مادیگرای غربی توسط گویندگان، وعاظ و به خصوص رسانه ملی «صدا و سیما» و هشدار نسبت به خطر شبیخون فرهنگی و پیامدهای آن از قبیل بی فکری، بی هویتی، لاپالاییگری و سرگرم شدن به لذت‌های زودگذر از نکات مهمی است که بیشتر باید به آن پرداخته شود.

-کمک به تولید نرم افزارهای اسلامی و حمایت از برنامه‌های فرهنگی ابتکاری صحیح، خودجوش و مردمی.

-ایجاد نوآوری، خلاقیت و استفاده از روش‌های جدید و نو در فعالیت‌های فرهنگی درون ساختاری.

-گرامیداشت مناسبت‌ها و حماسه‌های ملی و مذهبی و تجلیل به موقع و شایسته از ایثارگران عرصه‌های مقاومت و پایداری.

-الگوسازی و ارائه الگوهای ارزشی در عرصه‌های

مختلف ایثارگری، علمی، هنری، ورزشی و ...

-غنی‌سازی اوقات فراغت، چرا که اوقات فراغت موجب افزایش گرایش به ابزارهای فرهنگی غیر خودی و مبتذل می‌شود به همین جهت متولیان فرهنگی باید بخش متنابهی از فعالیت‌های فرهنگی خویش را معطوف به غنی‌سازی اوقات فراغت مردم، بخصوص جوانان و نوجوانان نمایند.

- حضور جمعی، فعال و مستمر گروه‌های اثرگذار در کوهها و پارک‌ها همراه با اجرای برنامه‌های فرهنگی و معنوی.

-راه اندازی و تقویت کانون‌ها و مجامع فرهنگی،

هنری، ورزشی.

-حمایت حقوقی و اجتماعی مناسب از عناصر فرهنگی،

هنری، تربیتی، خلاق و مبتکر.

-برگزاری اردوهای رزمی، فرهنگی، تفریحی همراه با

برنامه‌های متنوع و آموزنده.

-تهیه و تولید بازی‌های رایانه‌ای و سریال‌های تربیتی

با استفاده از متون اسلامی.

-ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی، که متأسفانه در

کوشر ما فرهنگ کتابخوانی بسیار پایین و ضعیف است، و دانش‌آموزان و دانشجویان ما غیر از کتاب‌های درسی خودشان کتاب‌های دیگر را خیلی کم می‌خوانند که این

موضوع در بلند مدت صدمات جبران ناپذیری به فرهنگ عمومی کشور وارد می‌آورند.

لازم به ذکر است کلیه موارد ذکر شده می‌بایست